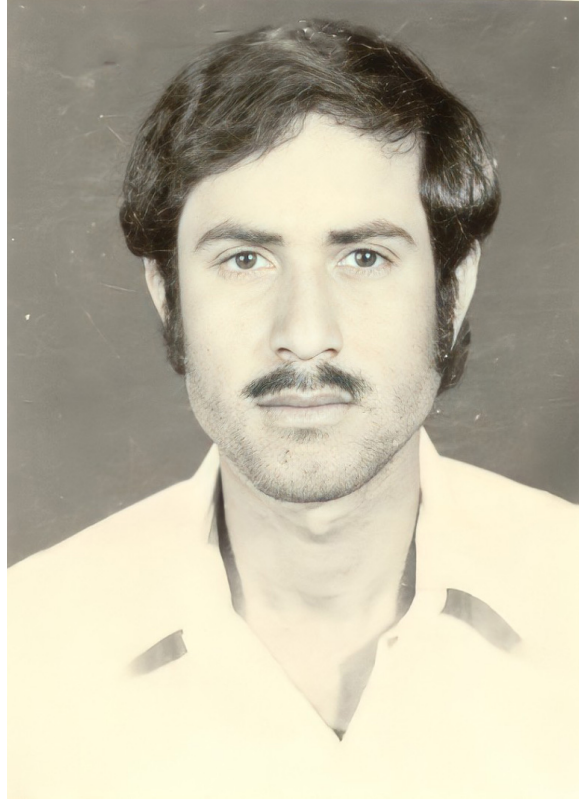


شهيد اسماعيل زنده بودى



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

عبدالحسین	نام پدر
۱۳۴۲/۰۱/۰۱	تاریخ تولد
بوشهر - تنگستان	محل تولد
۱۳۶۲/۰۴/۲۴	تاریخ شهادت
شهرانی	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
سرباز زمینی ارتش	نوع عضویت
-	شغل
دوره راهنمایی	تحصیلات
قباکلی	مدفن

وصیت نامه

این وصیتنامه‌ای است که من در سرباز خافه‌نوشته‌ام روزی که به سربازخانه رفتم از خدای متعال خواستم که تا خون در رگم است از امام و از کشور اسلامی و از ملت قهرمان دفاع کنم.

ولا تقولو لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احیاء ولکن لا تشعرون.

گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند بلکه اینان زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند.

سلام بر پدر عزیزم. پدر جان اینک من با سلاح ایمان و عشق به الله همچون کوه استوار و دریای خروشان به جنگ مزدوران متجاوز عراقی و دست نشانندگان آمریکای مستکبر می‌روم باشد که جان ناچیزم را در این راه فدا کنم و به این بعثتها درسی دهم که دیگر به فکر تجاوز به این مرز و بوم نباشند من الان در بهترین لحظه‌های خودم بسر می‌برم و با گامهای استوار به طرف معشوق خود می‌روم درود بر پدری که شب و روز کار میکرد و دستهای تاول زده خویش مرا بزرگ و اربیت کردی و به جنگ فرستاد که با این تجاوزگران که به این مرز و بوم یورش کرده‌اند به نبرد پردازم و هیچ ترسی ندارم زیرا به گفته امام از قرآن کسانی که در راه خدا جهاد کنند چه کشته شوند و چه بکشند پیروزند و این فرق اساسی مکتب ما اسلام با مکتبهاست و رمز پیروزی ما در همین است چون کفار پیروزی را در ظاهر می‌بینند ولی ما نه پدر جان اینک در آخرین لحظات عمرم با شما وداع می‌کنم و تنها خواسته من این است که اگر حق فرزندی را ادا نکردم قبلاً از دست من راضی باشید و مرا ببخشید سلام بر تو ای مادر عزیز که تو نزدیکترین و مهربانترین انسان در طول زندگی من بودی برایم زحمات زیادی کشیدی در کودکیم شبها بی‌خوابی کشیدی و به من شیر دادی اینک بزرگ شدم و به من تربیت آموختی و از شما تشکر می‌کنم و اگر حق فرزندی را ادا نکردم از شما می‌خواهم که مرا به بزرگواری خود ببخشید ولی ترجیح دادم که بین شهدای تاریخ باشم از زمان حضرت محمد و فرزند او یعنی امام حسین و یارانش شهدای این انقلاب بزرگ اسلام بر خواهر و برادر و همسر: مادر جان سلام مرا به خواهرم برسان و وصیت منبه وی این است که فرزندان شایسته و با ایمان برای جامعه تربیت کند زیرا این ارزشمندترین کار و عبادت است: پدر جان سلام گرم مرا به برادرم برسان و وصیت من به ایشان این است که سلاح بر زمین افتاده مرا همچون سلاح خود در دست گیرد و با کفار تا آزادی قدس و صادر کردن این انقلاب اسلامی به جهانیان بجنگد زیرا پیروزی نزدیک است: ای خواهر و ای برادر و همسر شما را اذیت کردم و مرا به بزرگواری خودتان ببخشید.

ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است:

امام خمینی

مادر و پدر عزیزم از اینکه مرا بزرگ کردید و به جبهه فرستادید سپاسگذارم اگر شهید شدم ناراحت نشوید زیرا خواسته شما این بود که من به آرزوی خود برسم و شهادت هم آرزوی من بود بلکه باید خوشحال شوید فرزند شما به خاطر اسلام و مکتب و قرآن و ناموس و آزادی مملکت شهید شده است.

مادر و پدر و همسر من امانتی نزد شما بودم و از اینکه این امانت را که خدا بدست شما سپرده بود با این خوبی نگهداری کردید ممنون هستم و الان این امانت را که خدا از شما می‌خواهد بنابر این نباید ناراحت شوید (خانواده عزیزم اگر من شهید شوم که شهادت آرزوی من است برایم گریه نکنید)

و نگذارید که کسی برایم گریه کند زیرا شهید وقتی که شهید می‌شود پاک می‌شود و گریه برای آنها مفهومی

ندارد و بجای گریه کردن بعد از رفتن من راه امام که همان راه پیامبر اسلام است بروید و در زندگی مبارزه در برابر طاغوتیان و منافقین ادامه دهید و برایم زیاد خرج نکنید و اما دوستانم خواهش می‌کنم که اگر ناراحتی از مندارند و من نتوانستم از دل آنها بیرون بیاورم و بزرگی خویش ببخشید چون آنها را نمی‌بینم تا از آنها حالیت بطلبم:

من از راه دور خانواده عزیزم را دیده بوسی می‌نمایم و در خاتمه وصیت‌نامه از خداوند بزرگ برای خانواده شهدا و خانواده خود صبر و شکیبائی مسئلت می‌نمایم:

اسماعیل زنده‌بودی فرزند عبدالحسین از روستای حزب‌الله قباکلی



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر